

اصول و فروع دین

در تمامی ادیان الهی همچون مسیحیت و یهودیت قبل از آنکه دستخوش تغییرات و تحریفات شوند می توانیم دو بخش کلی را در آنها و نیز در دین مبین اسلام مشاهده نماییم. یعنی هر دینی تشکیل یافته از دو دسته کلی

۱- اعتقادات و یا همان نظرات و عقاید آن دین که حکم پایه ، اساس و ریشه های آن دین را دارد

۲- دستورات عملی و یا همان احکام اجرایی که توسط فرد فرد معتقدان به آن دین انجام می گیرد. عقاید را می توان موارد علمی و درونی دانست که هر فرد بر اساس تعالیم آن دین در خود ایجاد می کند و در فکر و ذهن او وجود دارد که ما در اینجا بدانها اصول دین می گوییم و دقیقاً بر اساس همان اصول ذهنی و نکات علمی است که دستورات عملی شکل می گیرد. اصول اعتقادات و عقاید بر اساس آموزش های دینی در درون انسان شکل می گیرد و در صورتیکه بخواهیم به میزان و اندازه آن پی ببریم می توانیم به نحوه عمل و رفتار اشخاص در زندگی و در امور روزمره ایشان توجه نماییم.

اصول دین يك رشته آراء و نظرات در خصوص جهان آفرینش ، خالق آن و عاقبت کار انسان ها می باشد که کاملاً در فکر افراد وجود دارد و هر چه این نظرات پخته تر و دقیقتر باشد خود را در رفتارهای عملی انسانها نشان می دهد.

اصول عقاید در همه ادیان الهی سه نقطه مشترك دارند. ۱ - ایمان به خدا ؛ یا همان ایمان به توحید و یگانگی و یکی بودن خدای متعال است ۲- ایمان آوردن به پیامبرانی که از جانب خدا برای هدایت مردم آمده اند ۳- اعتقاد داشتن به روزی که تمامی بشریت در آن روز به پاداش و جزای اعمال خود می رسند. در حقیقت برای آنکه به خلاصه بتوانیم نام ببریم بگوییم ۱- توحید ۲- نبوت ۳- معاد .

اگر فردی در دین حضرت مسیح علیه السلام و یا در دین حضرت موسی علیه السلام تحقیق کند و یا در تمامی ادیان دیگر الهی ، می تواند بوضوح این سه مورد را یافت نماید .

حال به هر میزان معتقدان به ادیان الهی در توحید و یگانگی خدا وارد شده و آنرا برای خود تحلیل نمایند و ویژگی ها و صفات پروردگار عالم را بهتر بشناسند، این شناخت در رفتار و کردار ایشان خود را نمایان می کند. چنانچه انسانهایی که بت می پرستیدند ، بر اساس نداشتن

این رشته اعتقادات بوده و پیامبران الهی نیز به خاطر شناخت بسیار زیادی که از خدای متعال داشتند جان خود را در راه او به خطر می انداختند آنطوری که بسیاری از ایشان به جهت ترویج دین الهی خود ، جان شیرین را اهداء نمودند.

هر چه نوع نگاه و دیدگاه انسان در مورد پروردگارش دقیقتر و روشن تر باشد و پیامبران را هدایتگران خدا بداند و از روزی که از آن به عنوان قیامت یاد می شود اطلاعات بیشتری داشته باد و به آنها ایمان کاملی بیاورد، این مهم در رفتارهای فرد ظاهر شده و او را انسانی مومن ، درستکار و صالح می سازد.

اگر در پیرامون خود نگاه نمایید انسانهایی را می بینید که به يك سلسله رفتارهای خاص همچون راستگویی ، امانت داری، پرهیز از گناه و انجام واجبات دینی خود مقید هستند و برخلاف آنها عده ای دیگر به گناه و معصیت مشهور می باشند. درگفتگوی با دسته اول می توانید ایمان ایشان به خدا و روز قیامت را و در دسته دوم عدم ایمان به آن موارد را شاهد باشیم. در دین اسلام نیز این دو بخش کلی وجود دارد. عقاید یا همان اصول دین اسلام (توحید ، نبوت و معاد) می باشد که در مذهب شیعه اعتقاد به عدل و امامت نیز وجود دارد. پس نتیجه آنکه هرگاه از فردی پرسیده شود که اصول الدین را نام برده در جواب می گوید :

۱- توحید (یا اعتقاد به خداشناسی و یگانگی معبود)

۲- عدل (یا عدل الهی و عدم ظلم خالق بر هستی)

۳- نبوت (یا ارسال انسانهایی پاک به نام پیامبران برای هدایت انسانهای دیگر)

۴- امامت (یا جانشینان آخرین پیامبر الهی، حضرت محمد (ص) برای پاسداری از آخرین دین الهی)

۵- معاد (اعتقاد به روزی با نام قیامت که در آخر دنیا بوجود می آید)

همانگونه که گفتیم این ۵ مورد در ذهن و فکر يك شیعه وجود دارد. حال هر کدام را در خود به طور کامل رشد دهد و به درون آنها وارد شود، رفتار ایشان شایسته و صحیح تر شده و هر چه این پنج مورد را کمتر بشناسد رفتاری بدور از آنچه مورد پسند خدای متعال است از ایشان سر می زند.

در دین اسلام و مذهب تشیع این پنج مورد را اصول دین می نامند و اعمال و رفتارهایی که از آنها نام بردیم فروع دین و یا همان شاخه های دین می نامند.

حال فروع دین و یا شاخه های دین چیست؟

بر اساس مذهب شیعه که بنیانگذار آن شخص رسول اکرم (ص) می باشد فروع دین ده مورد می باشد. یعنی درخت اسلام ۵ ریشه دارد و ۱۰ شاخه ، این ده شاخه عبارتند از:

۱- نماز ۲- روزه ۳- زکات ۴- خمس ۵- حج ۶- جهاد ۷- امر به معروف ۸- نهی از منکر ۹- تولی ۱۰- تبری

این ده مورد که از آنها به عنوان فروع الدین یاد می شود همان احکام و دستورات عملی می باشند. اگر فرد یا افرادی نماز نخوانده ، روزه نگرفته و هیچ کدام از اینها را انجام ندهند می توانیم با قاطعیت بگوییم اعتقاد به یگانگی خدا و شاهد بودن او بر اعمال و رفتارها و اعتقاد به وجود روزی به نام قیامت نداشته و یا این اعتقاد بسیار ضعیف می باشد و در مقابل افرادی که در انجام فروع الدین تلاش نموده و به آنها را به صورت تکلیف برای خود می دانند ، اعتقادی قوی و راسخ دارند. اکنون با توجه به مقدماتی که گفته شد به چند نکته در این رابطه اشاره می شود.

۱- اصول عقاید یا همان ریشه های اصلی دین در انسانها ، باید بر اساس تحقیق و پژوهش و مطالعه شکل بگیرد و چون پدر و مادر ما به خدای یگانه اعتقاد داشتند و پیامبر اسلام و ائمه اطهار را قبول داشته اند دلیل خوبی نبوده که ما نیز باید معتقد باشیم و بر هر فرد مسلمان واجب است تا در رابطه با آن پنج مورد بررسی نموده و با اطمینان کافی به آنها ایمان آورد و در غیر این صورت تفاوت زیادی با کسانی که بت پرست بوده اند نکرده و چنانچه در جواب پیامبر اسلام می گفتند ما را از دین پدرانمان بر حذر ندار و قرآن کریم از این استدلال به عنوان جاهلیت یاد می کند.

۲- سوالاتی که در شب اول قبر پرسیده می شود تماماً بر اساس پنج اصل و یا همان اصول عقاید می باشد و این اهمیت آنها را بیشتر می رساند. سوال از پروردگار، پیغمبر و امام، همگی از شاخه های اصول الدین می باشند.

۳- برای رسیدن به جواب برخی از سوالات می توان از اهل علم و دانشمندان دینی بهره برد تا با خدای خود و خالق

هستی بیشتر آشنا شویم، راهنمایان او و کار ایشان را بهتر بشناسیم و جانشینان پیامبر اعظم و اهداف آنها را شناسایی کرده، بهشت، قیامت و منازل سخت و هول ناک جهنم را درک کرده و در نتیجه به سعادت ابدی نائل گردیم.

۴- احکام یا دستورات عملی. یا همان ده شاخه که به نام فروع الدین است، از آیات قرآن کریم و روایات رسیده از امامان معصوم استخراج می شوند. جهت فهم بهتر می توان گفت برای شناخت تکلیف هر مسلمان در برابر نماز، روزه، خمس و غیره لازم است تا فردی که آشنا به آیات و روایات می باشد احکام الهی را از لابلای منابع دینی در آورده که به هر کدام از این احکام، فتوی گفته می شود. چگونگی نماز خواندن، روزه گرفتن و مسائل مربوط به آن را مجتهد و یا همان عالم دینی مسلط بر قرآن و روایات و برخی علوم دیگر از منابع مربوطه استخراج کرده و در کتابهایی به نام رساله های عملیه و یا همان رساله نوشته و در اختیار مردم قرار می دهد تا ایشان تکلیف خود را در برابر چگونگی انجام این ده مورد بدانند و به خطا نروند.

۵- استخراج احکام الهی کار بسیار دشواری بوده و به آن سادگی و راحتی که عده ای تصور می کنند نمی باشد. به طور مثال برای آنکه بدانیم وضو گرفتن چگونه بوده و چگونه نماز بخوانیم لازم است تا شما بر چندین علم خاص حوزوی مسلط گردیده که به عنوان مثال می توان این علوم را نام برد. تفسیر آیات قرآن کریم و تسلط بر آیات شریفه، علم رجال (در شناخت راویان احادیث از زمان امام معصوم تا کنون)، علم درایه، علم اصول فقه، علم قواعد فقه، آشنایی کامل و تسلط بر ادبیات عرب، علم حدیث شناسی و کسانی که علاقمند هستند تا تخصص فقهی بگیرند نیاز است تا سالیان مدیدی در حوزه های علمیه تحت نظر اساتید زبر دست تعلیم دیده تا بتوانند جزئیات آن ده شاخه دین یا همان فروع الدین را در آورده و به عموم مسلمین عرضه دارند. جا دارد تا در این جا شبهه یا سوال مغرضانه ای را که دشمنان اسلام وارد می کنند را پاسخ دهیم.

در شبکه های ماهواره ای و در غیر آن اعلام می دارند که ((مگر مردم ایران میمون هستند که بیایند در دین خود از عده ای روحانی به نام مراجع، تقلید کنند. قرآن را می خوانیم و تکلیف خود را می فهمیم)). در پاسخ این عده کوردل که حتی قرآن را هم قبول ندارند و در جای خود به کتاب الهی هم دهان کجی می کنند و هدفی جز انحراف جوانان مسلمان و شیعه ندارند باید گفت: قرآن کریم، کتاب

قانون اسلام و بشریت است و به بیان کلی مسائل پرداخته و راه و رسم انسان به سوی خدا را مشخص کرده و تنها در برخی موارد که خیلی ضروری بوده است به جزئیات پرداخته است. هر قانونی محتاج مفسر و قانون مداران خود است که جزئیات آنرا گفته تا عموم مردم که علم آن را ندارند بهره ببرند. با توجه به حدیث ثقلین ائمه علیهم السلام تفسیر کنندگان و بیانگران قرآن بوده و با عنایت به آن حدیث ، قرآن و اهل بیت از یکدیگر جدا نمی شوند و اگر این دو را از هم تفکیک نمودیم به دردی مبتلا خواهیم شد که خوارج در عصر امیرالمومنین علی علیه السلام دچار گردیدند و قرآن ناطق که وجود نازنین ایشان بود را با تکه های پاره ای از قرآن نیرنگ عمر و عاص عوض نمودند و آن شد که در تاریخ خوانده ایم .

هر گاه فردی بیمار گردد حاضر نمی شود خود را تحت نظر درمان یک قصاب یا مهندس یا هر رشته کاری دیگر قرار دهد زیرا ایشان علم پزشکی نداشته و نمی توانند وی را درمان کرده و لازم است تا ما نیز در هر موضوعی سعی کنیم به سراغ متخصص و کارشناسان خبره آن علم برویم و ضروری است تا در امر دین و آنچه مربوط به خدا ، دنیا و آخرتمان می شود به سراغ اهل علم دین رفته اما متأسفانه در سالهای اخیر با توجه به انبوه تبلیغات مسموم دشمنان اسلام سعی نموده اند جوانان ما را از اهل علم و دانشمندان دینی دور نموده که اگر چنین شود به اهداف شوم خود رسیده و به راحتی می توانند ایشان را گمراه نموده و آنچه را دوست دارند القاء نمایند. پس اصول الدین پنج تاست :

(توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد)

فروع الدین ده تاست: (نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، تولی و تبری)

نکته آخر آنکه دین اسلام دستور نمی دهد که همه مقلد بمانند بلکه اسلام دینی پویا و به روز است که در تمام ابعاد بشری حرف برای زدن داشته لکن دستور می دهد در اصول الدین احادی حق ندارد از کسی تقلید کند و در فروع الدین اگر فرد خود به علوم فقهی و دینی مسلط گردیده بر اساس استنباط های علمی خود ، احکام را انجام دهد و در غیر این صورت می تواند از فقیه عالم به نام مرجع تقلید بهره برد زیرا لازمه عالم دینی شدن سالها درس خواندن و مطالعه کردن بوده و بسیاری از مردم علاقه ندارند و همانطوری که عده ای با نام پزشک و متخصص در علوم بدنی

وجود دارند عده ای این کار را در علوم دینی کرده تا دیگران استفاده نمایند .

امام باقر علیه السلام فرمودند: « بنای اسلام بر پنج چیز است؛ نماز، زکات، حج، روزه و ولایت ». زراره که از شاگردان ایشان بود پرسید: « کدام یک مهمتر است؟ » حضرت فرمودند: « ولایت از همه مهمتر است زیرا ولایت کلید سایرین است و والی نقش رهبری و هدایت مردم را بر عهده دارد .

خوارج که در تاریخ اسلام از ایشان به بدی یاد گردیده و آنها را انسانهایی نادان ، متعصب و جاهل می داند ، اکثرا حافظان و قاریان قرآن بودند اما بدلیل عدم شناخت امام زمان خود و خارج شدن از تحت رهبری ایشان به ورطه کفر گرفتار شده و در برابر امیر المومنین ایستاده تا به دست ایشان در جنگ نهروان نابود شدند. در شب عاشورا نیز عده زیادی از لشکریان یزید تا صبح به عبادت پرداختند و برای رضای خدا خون فرزند رسولش را مباح ساخته و ریختند. امامت و شناخت امام از مهمترین این اصول می باشد . عدم شناخت آن انسان را در برابر امام زمانش قرار می دهد و چه بسا شناختن امام عصر موجب رفتاری شود که از خوارج سر زد و در عصر ظهور ایشان خدا ی ناکرده از دشمنان ایشان محسوب گردیم .

شناخت امام زمان علیه السلام از وظایف هر فردی از اهل اسلام می باشد و بر اساس روایت وارده از رسول مکرم اسلام این امر از هر مورد دیگری واجبتر شمرده شده است. ایشان فرمودند: « من مات و لم يعرف امام زمانه ، مات میتة جاهلیة » هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد ، هرگاه بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است. امروز از هر زمان دیگری ضروری تر است تا با وجود آخرین حجت الهی در زمین آشنا شویم و زمینه آشنایی خانواده، دوستان و تمام کسانی را که دوستشان داریم را فراهم نموده و کوچک ترین کم کاری در این راه بزرگ ترین آسیب ها بر پیکر جامعه نه ایرانی بلکه بشری وارد خواهد ساخت.

طبق روایات معصومین علیهم السلام، مهدی موعود (عج) به عنوان آخرین ذخیره الهی ، منتظر است تا ما شیعیان جهان یک پارچه و دسته جمعی به سوی حضرت حق رفته و ظهورش را از خدای متعال درخواست نماییم و زمینه ظهور ایشان را ایجاد کنیم چرا که غیبت ایشان از باب غفلت ما می باشد و ظهور حضرتش نه کام مسلمان را بلکه کام عالم هستی و تمامی مردم جهان و بشریت را شیرین خواهد نمود و او

امامي است که خواهد آمد. شناخت دشمنان حضرت و شناساندن آنها به جامعه بشري نیز از وظايف ديگر شيعيان محسوب مي گردد. صهيونيست، بابيت، بهائيت، وهابيت و صوفي گري و اسلام بن لادني همگي از مواردی است که مردم جهان و آزاد مردان را نسبت به اين دين الهي بدبين نموده و اميد با تلاش فرهنگي همه جوانان و دلسوختگان اسلام و اهل بيت، شاهد روزي باشيم که دنيا را خالي از اين فرقه ها و ادیان دروغين ببينيم.